

نقش پلیس در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر با تکیه بر اسناد بین‌المللی

تاریخ پذیرش: 1395/02/05

تاریخ دریافت: 1394/10/10

هوشنگ شیری¹، پرویز آهی²

از صفحه 89 تا 114

چکیده

زمینه و هدف: بزه‌دیدگی مکرر از چالش‌های مهم متولیان سیاست جنایی به‌خصوص پلیس تمامی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران است که با اتخاذ تدابیر کیفی و غیرکیفی در پیش‌گیری از وقوع آن تلاش می‌کنند. اهمیت این موضوع تا اندازه‌ای است که در اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه اندیشمندان عرصه جرم‌شناسی قرار گرفته است که می‌توان به سندهای اصول بنیادی دادگری برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، (رهنمودهای دادگری در موضوع‌های شامل کودکان بزه‌دیده و گواه جرم) اشاره کرد.

روش‌شناسی: مقاله حاضر کاربردی و از نوع توصیفی تحلیلی بوده و تحلیل اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از منابع است.

یافته‌ها: تحقیق حاضر نشان می‌دهد که نیروهای پلیس می‌تواند از طریق دستگیری بزه‌کاران فعال در تکرار بزه‌دیدگی، حفاظت از بزه‌دیدگان، نظارت بر اجرای مجازات‌های اجتماعی، حفاظت از هویت و آبروی بزه‌دیده و بستگان وی، همکاری و مشارکت با شهروندان، ارائه خدمات اجتماعی و آموزش و اطلاع‌رسانی از بزه‌دیدگی و تکرار آن پیش‌گیری کرد.

نتیجه‌گیری: همگام با پیشرفت‌های بزه‌دیده‌شناسی پلیس کشورهای توسعه یافته با اقتباس از اسناد بین‌المللی رویه‌های عملی خود را به سمت و سوی بزه‌دیده محوری سوق داده‌اند. سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران بر خلاف آنها در برخی قوانین بدون انسجام و به صورت پراکنده به این چالش مهم و نقش پلیس در پیش‌گیری از آن پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: بزه‌دیده، پلیس، پیش‌گیری، سیاست جنایی، بزه‌دیدگی مکرر.

1 - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول). Shirihoushang@yahoo.com

2 - استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین. p.a14yar@gmail.com

مقدمه

بزه‌دیده، شخصی است که با اعمال غیرقانونی شخص دیگر، متحمل خسارت‌های جانی، مالی، معنوی یا روانی می‌شود. اگر چنین شخصی برای بار دیگر آماج جرم قرار بگیرد، بزه‌دیده مکرر گفته می‌شود. تکرار بزه‌دیدگی وضعیت بزه‌دیده‌ای است که جرمی مشابه یا مختلف توسط همان بزه‌دیده یا آماج¹ در دوره زمانی خاص تجربه می‌شود که این دوره زمانی می‌تواند در طول یک سال، یک ماه، یک هفته و... واقع شود؛ برای مثال یکی از شهروندان در طول یک سال (یا دوره زمانی دیگری) دو بار مورد ضرب و جرح یا خشونت خانگی واقع می‌شود. دو بار قربانی شدن در طول این دوره زمانی، توصیف تعداد تکرارهاست (مقیم، 1388: 205). برای پرداختن به این موضوع باید تعریفی از مفهوم پیش‌گیری و سیاست جنایی ارائه کنیم. پیش‌گیری² به معنای جلوگیری و پیش‌گیری‌کننده یعنی آنکه جلوی کسی را بگیرد یا مانع کاری یا چیزی شود، آمده است (عمید، 1364: 510).

پیش‌گیری به مجموعه تدابیر و اقدامات غیرکیفری و کیفری اطلاق می‌شود که از بروز جرم و بزه‌دیدگی پیش‌گیری می‌کند. در پیش‌گیری با هدف جلوگیری از ارتکاب جرم، از طریق از بین بردن عوامل جرم‌زا یا کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم، مورد استفاده قرار می‌گیرد (رحیمی‌نژاد، 1388: 109). اصطلاح سیاست جنایی³ برای نخستین بار در کتاب «حقوق کیفری»⁴ دانشمند آلمانی به نام آنسلم فون فوئر باخ⁵ که در سال (1803) میلادی چاپ و منتشر شده، به کار برده شده و در تعریف آن آمده: «مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه که دولت با استفاده از آنها علیه جرم، واکنش نشان می‌دهد». مری دلماس مارتی⁶ در تعریف سیاست جنایی آورده: «مجموعه روش‌هایی است که هیئت اجتماع با استفاده از آنها پاسخ به پدیده مجرمانه را سازمان⁷ می‌بخشد» (حسینی، 1383: 14). سیاست جنایی به مجموعه اقدامات کیفری و غیرکیفری اطلاق

1 - Sible

2 - Prevention

3 - Criminal Policy

4 - Criminal justice

5 - anselem Fon Fuerbakh

6 - Merydelmas Merti

7 - Organization

می‌شود که توسط مراجع قضایی و انتظامی و نهادهای اجتماعی به منظور مقابله با پدیده مجرمانه صورت می‌گیرد.

پژوهش‌های بسیاری برای شناخت بزه‌کاران مکرر و راهبردهای پیش‌گیری از تکرار جرم و اصلاح بزه‌کاران انجام شده است؛ ولی تحقیق در زمینه شناخت بزه‌دیدگی مکرر و پیش‌گیری از آن، ناچیز است. هرچند ادبیات بزه‌دیده‌شناسی به یاری استادان و محققان در دهه گذشته شکل گرفته است؛ ولی باید اذعان داشت که تحقیقات انجام شده فقط بخشی از بزه‌دیده‌شناسی یعنی شاخه حمایتی و ایدئولوژیک آن را به جامعه علمی و اجرایی معرفی کرده است (افراسیابی و دهکردی، 1391: 10). با این وجود محققان حوزه جرم‌شناسی برای پیش‌گیری از جرم، کاهش تکرار بزه‌دیدگی را مطرح می‌کنند. این پدیده برای اولین بار در سال 1976 توسط ریچارد اسپارکس¹ با اصطلاح تکرار بزه‌دیدگی² در پیمایش‌های بزه‌دیدگان مورد تأکید قرار گرفت (مقیم، 1388: 204). پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر در اواسط دهه 1990 جزء شاخص‌های پلیس انگلستان³ برای پیش‌گیری از جرم گنجانده شد و نیروهای پلیس ملزم به شناسایی بزه‌دیدگان مکرر شدند. راهبردهای مؤثر کاهش بزه‌دیدگی با ایجاد رابطه بین مجرمان همیشگی و تکرار بزه‌دیدگی دارای دو نکته است؛ فرصتی برای خدمات‌رسانی با کیفیت بسیار مطلوب به افرادی از جامعه که نیازمند آن خدمات هستند و نیز محدود ساختن فعالیت مجرمانی که بیشترین میزان جرائم را در جامعه انجام می‌دهند، است (ماس و استیفنز⁴، 1388: 138-137). با توجه به توضیحات فوق این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که نیروهای پلیس در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر چه نقشی ایفاء می‌کنند؟

بیان مسئله

یکی از چالش‌ها و مشکلاتی که جوامع امروزی را تحت تأثیر قرار داده، بزه‌دیدگی و تکرار آن است که متولیان امر بر آن شده‌اند که چنین آسیبی را به حداقل برسانند و این مهم زمانی محقق خواهد شد که قانون‌گذاران به تصویب قوانین حمایتی و پیشگیرانه همت گمارند و ابزارهای ضروری پیش‌گیری از آن را تأمین کنند. پیش‌گیری

1 - Richard esparks

2 - Multiple Victimization

3 - British Police

4 - Mas and Mayk estifenze

از بزه‌دیدگی مکرر نوعی پیش‌گیری از جرم است که با وظایف ذاتی پلیس همخوانی دارد، به‌طوری که پلیس اولین نهادی است که از بزه‌دیدگی شهروندان مطلع می‌شود؛ از این رو این نهاد می‌تواند با تحلیل عوامل بزه‌دیدگی و اطلاع‌رسانی آنها به بزه‌دیده یا اقدام به موقع از بزه‌دیدگی مکرر شهروندان پیش‌گیری کند (افراسیابی و دهکردی، 1391: 13). پیش‌گیری انتظامی بر پایه اقدامات پلیسی برای حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم مبتنی است. متولی اصلی این نوع پیش‌گیری، نیروی انتظامی است که برای تحقق آن بایستی رویکرد جدیدی را نسبت به وظایف سنتی پلیس که عمدتاً دربرگیرنده اقدامات واکنشی (پسا جنایی)¹ و کشف و تعقیب مجرمان بوده است، اتخاذ کنند. به تدریج نیروهای پلیس اکثر کشورهای جهان رویکرد خود را به سمت پیش‌گیری از وقوع جرم و بزه‌دیدگی سوق داده‌اند. در کشور بلژیک وزارتخانه امنیت شهروندان و شهرداری در کنار پلیس محلی به تأمین امنیت بزه‌دیدگان و تأمین منابع مالی بزه‌دیدگان نیز می‌پردازد (ابراهیمی، 1388: 28). پیش‌گیری از این پدیده از ضروریات جامعه بوده و یک وظیفه خطیر ملی و حاکمیتی است. مردم نیز انتظار دارند دولت امنیت عمومی و آسایش همگانی را برای آنها فراهم کند تا در بستر این حمایت‌ها به زندگی خود ادامه دهند.

در ماده 16 اعلامیه (1985) اصول بنیادی دادگری برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، بر آموزش پلیس و دست‌اندرکاران برای حساس شدن نسبت به وضعیت بزه‌دیدگان، توجه به نیازهای آنها و دریافت رهنمودهایی برای تضمین کمک‌رسانی مناسب و فوری بزه‌دیدگان تأکید شده است. هم‌چنین در بند 2 ماده 5 پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد (2010) درباره دادگری و پشتیبانی از بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، صراحتاً به بازگرداندن فوری اموال از دست رفته بزه‌دیدگان از سوی پلیس و دیگر متولیان تأکید شده است. در بند 4 ماده 8 همان پیش‌نویس بر آسان‌سازی و تسهیل کمک‌رسانی به بزه‌دیدگانی که از سوی پلیس معرفی و ارجاع می‌شوند نیز اشاره شده است. در جمهوری اسلامی ایران نیز این وظیفه بر اساس قانون نیروی انتظامی مصوب 1369/4/27 بر عهده نیروی انتظامی است که در بند «د» ماده 8 این قانون، یکی

1 - Criminal Post

از وظایف نیروهای انتظامی را پیش‌گیری از وقوع جرائم اعلام کرده است (رحیمی نژاد، 1387: 157). در این ماده با اشاره به نقش پلیس در پیش‌گیری از جرم، بر پیش‌گیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی تأکید شده است. پلیس از طریق پیش‌گیری از بزه‌دیدگی و تکرار بزه‌دیدگی، می‌تواند در اجرای رسالت خویش موفقیت‌آمیز عمل کرده و امنیت عمومی جامعه هدف را به ارمغان بیاورد. با وجود این چالش ضروری می‌کند در پژوهش حاضر به نقش پلیس در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر پرداخته شده و راه‌کارهای عملی مؤثر با تکیه بر اسناد بین‌المللی برای آن ارائه شود.

مبانی نظری

با توجه به اهمیت مبانی نظری در بندهای زیر به ترتیب به نظریه انتخاب عقلانی، نظریه فعالیت روزمره، نظریه سبک زندگی و نظریه کنترل بزه‌دیده پرداخته می‌شود.

1- نظریه انتخاب عقلانی

نظریه انتخاب عقلانی¹ یکی از رهیافت‌های نظریه عقلانی است که بیشتر توسط جرم‌شناسان کورنیش و کلارک² شناخته می‌شود. نظریه انتخاب عقلانی به تشریح انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم به عنوان تلاشی برای رفع نیازهای عادی نگاه می‌کند. این عقلانیت فرایند تصمیم‌گیری است که فرصت‌ها را برای رفع نیازها، هزینه‌های بالقوه عمل و سودهای پیش‌بینی شده، تعیین می‌کند. البته مسئله عقلانیت کامل در این دیدگاه مورد نظر نیست چون جرایمی توسط دیوانگان انجام می‌پذیرد که قوه تعقل ندارند، بلکه مجرمان در این نظریه دارای عقلانیتی محدود هستند (فرانک پی و دیگران³، 1383: 246). بزه‌کار در نظریه انتخاب عقلانی برای رفع نیازهای خود مرتکب جرم علیه بزه‌دیده می‌شود. این نیازها می‌تواند مادی، روحی، روانی، عاطفی و... باشد. اگر بتوانیم به نیازهای مجرمان قبل از ارتکاب جرایم، پاسخ مناسبی دهیم، توانسته‌ایم از بزه‌دیدگی‌ها و تکرار آن پیش‌گیری کنیم. بزه‌کار با انتخاب خود مرتکب جرم می‌شود؛ چون منفعت‌های بالقوه‌ای را در اثر جرم ارتکابی به دست می‌آورد و برای رسیدن به آن منفعت‌ها از هیچ راه عقلانی دریغ نمی‌کند. در این راستا اگر به فرض عدم پاسخ به

1 - Rational Choice Theory

2 - Kornish and Kelark

3 - Frenk. P and others

نیازهای مشروع بزه‌کار، دیدگاه خود را به بزه‌دیده معطوف کنیم، می‌توانیم با اعمال تدابیر از جمله کاهش فرصت و جذابیت و غیرقابل دسترس کردن بزه‌دیده، در انتخاب عقلانی مجرم اختلال ایجاد کرده و به پیش‌گیری از بزه‌دیدگی و تکرار آن نائل شویم.

2- نظریه فعالیت روزمره

نظریه فعالیت روزمره¹ توسط لاری کوهن و مارکوس فلسن² توسعه و شهرت یافت و به نشانه دهه 1980 تبدیل شد (فرانک پی و دیگران، 1383: 243). این نظریه اساساً اعتقاد دارد که جرم ارتکاب یافته و بزه‌دیدگی با طبیعت خصوصیات زندگی معمولی انسان یا به عبارتی تعامل اجتماعی در ارتباط است و هم‌زمان با تغییر این تعامل‌ها و خصوصیات، نرخ جرایم³ نیز تغییر می‌کند؛ به عبارتی همان متغیرهایی که فرصت‌های برخورداری از مزایای زندگی را افزایش می‌دهد، فرصت‌های وقوع خشونت و تعدی را هم فزونی می‌بخشد. فعالیت‌های روزمره شامل هر فعالیت اجتماعی می‌شود که برای برآوردن نیازهای اساسی زندگی صورت می‌گیرد مانند رفتن به کار، دنبال تفریح بودن، محل سکونت یافتن، خرید و غیره. برخی افراد بر اساس فعالیت‌های متفاوتشان، بیش از دیگران به عنوان آماج برای بزه‌کاران ایده‌آل به‌نظر می‌آیند و به همین ترتیب برخی موقعیت‌ها به دلیل نوع و میزان فعالیت اجتماعی برای وقوع جرم مناسب‌تر هستند و همین عوامل نیز باعث تکرار بزه‌دیدگی می‌شوند. علت وقوع جرم در این نظریه بیانگر حضور سه عامل است؛ 1- مجرمین با انگیزه و مستعد بزه‌کاری مانند افراد بیکار و جوانان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، 2- وجود آماج جاذبه‌دار مانند خانه‌های بی‌حفاظ یا ماشین‌های قفل نشده، 3- نبود ایمنی و عدم محافظت از هدف مانند عدم حضور مالکین خانه، پلیس یا همسایگان.

به دلیل فعالیت‌های روزمره افراد بزه‌دیدگی‌های مختلفی رخ می‌دهد؛ مثلاً افزایش زنان شاغل باعث کاهش تعداد افراد منزل در طی ساعات روز شده و احتمال سرقت از منازل افزایش می‌یابد و یا باعث تعرض به زنان در بیرون از خانه شود. این نظریه می‌تواند برای تشریح نرخ‌های بزه‌دیدگی⁴ و تکرار آن برای برخی جرایم باشد. برخی

1 - Routine Activity Theory

2 - Lari Kohen and Markos Felson

3 - Crime Rate

4 - Rates Victimization

افراد بر معیار تفاوت‌هایشان در فعالیت‌های روزمره، بیش از دیگران برای تجاوز، سرقت و... مناسب هستند. همین که مناطقی به نقاط داغ بزه‌کاری¹ مشهور می‌شوند، بسیاری از افراد از رفتن به آن منطقه اجتناب می‌کنند و در اثر عدم حضور نگهبان و عدم نظارت و کنترل باعث می‌شود مجرمان معدود افرادی را که در آن منطقه هستند یا رفت و آمد می‌کنند، را به عنوان قربانیان مناسب برای اعمال مجرمانه خویش انتخاب کنند (فرانک پی و دیگران، 1383: 243). این نظریه نوعی رهیافت برای درک جرم و خصوصیات بزه‌دیدگی می‌باشد. اگر فرد بعد از بزه‌دیدگی اولیه در رفتارهای روزمره خود تجدیدنظر کند و علت بزه‌دیدگی خود را کشف کند، و روش‌های آن فعالیت را تغییر دهد و به هنگام تلاقی با مجرم، انگیزه او را خنثی کند، قطعاً از بزه‌دیدگی‌های مکرر پیشگیری خواهد شد و در نتیجه آمار بزه‌کاری تقلیل خواهد یافت.

3- نظریه سبک زندگی²

دیدگاه سبک زندگی که توسط گات فردسن³، هیندلنگ⁴ و گارفالو⁵ توسعه یافت، در پی بررسی این مسئله است که چرا برخی افراد و گروه‌ها بیش از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند؟ بر طبق این دیدگاه جرم یک واقعه اتفاقی نیست، بلکه نوع بزه‌دیدگی بر اساس شیوه و سبک زندگی افراد متغیر است. نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آنها دارد؛ چراکه شیوه و سبک زندگی افراد را بیشتر در دسترس و در معرض تهاجم بزه‌کاران قرار می‌دهد، هر چه افراد شیوه بازتری داشته باشند، احتمال بزه‌دیدگی آنها نیز بیشتر می‌شود؛ بر این اساس این نظریه توزیع نامنظم بزه‌دیدگی در زمان و مکان را بر حسب تفاوت شیوه زندگی بزه‌دیدگان و دیگران تبیین می‌کند. نظریه شیوه زندگی به واسطه عواملی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. یکی از این فاکتورها، نقشی است که افراد در جامعه ایفاء می‌کنند و این نقش بعضاً کم و بیش آنها را به سمت و سوی بزه‌دیدگی می‌کشاند؛ برای مثال جوانان خصوصاً زنان، بیشتر در معرض بزه‌دیدگی‌ها قرار دارند؛ زیرا نقش‌های اجتماعی آنها سبب می‌شود بیشتر در مکان و محیط‌های مجرمانه و خطرناک یا در زمان‌های خطرناک رفت و آمد کنند.

1 - به مناطقی از شهر که در آنجا بیشترین آمار ارتکاب جرم وجود دارد نقاط داغ بزه‌کاری گفته می‌شود.

2 - Theory lifestyle

3 - Gott Fredson

4 - Hindelang

5 - Garofalo

موقعیت افراد در ساختار اجتماع نیز می‌تواند در میزان و احتمال بزه‌دیدگی و تکرار بزه‌دیدگی مؤثر باشد؛ زیرا هر چه افراد دارای موقعیت اجتماعی بالاتری باشند، به دلیل فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند و محیط‌هایی که به آن رفت و آمد می‌کنند، خطر بزه‌دیدگی آنها به نسبت پایین می‌آید. هر چه افراد با اشخاص بزه‌کار یا محیط‌های مجرمانه یا زمان‌های خطرناک بیشتر رفت و آمد کنند، احتمال بزه‌دیدگی‌های آنها افزایش می‌یابد (فرانک پی و دیگران، 1383: 245)؛ بنابراین با توجه به تصمیماتی که افراد در انتخاب شیوه‌های زندگی اتخاذ می‌کنند، احتمال تکرار بزه‌دیدگی آنان قابل پیش‌بینی است و می‌توان گفت علل بزه‌دیدگی مکرر برخی افراد انتخاب نوع سبک زندگی آنان است.

4- نظریه کنترل بزه‌دیده¹

نظریه کنترل بزه‌دیده² اساس کار خود را از کنترل بزه‌کار بعد از محاکمه و مجازات وام می‌گیرد. به این صورت که بزه‌کار بعد از تحمل کیفر تحت کنترل مراجع انتظامی و قضایی قرار می‌گیرد و به بازپروری و باز اجتماعی وی پرداخته می‌شود که نمونه آن آیین‌نامه مراقبت از زندانیان بعد از خروج از زندان مصوب 1378 قوه قضاییه است. در نظریه کنترل بزه‌دیده فرد بعد از تجربه بزه‌دیدگی اولیه، زیر نظر روان‌شناس، جامعه‌شناس و جرم‌شناس قرار گرفته و علت‌های دخیل در بزه‌دیدگی اولیه به شور گذاشته می‌شود و با شناسایی نیازهای وی، حمایت‌های لازم صورت می‌گیرد و در این شور و هم‌اندیشی ریشه و عوامل موجد بزه‌دیدگی کشف می‌شود. بزه‌دیده نیز با این تدابیر متقاعد می‌شود که آسیب‌پذیری خود را به حداقل برساند. در صورت عدم همکاری بزه‌دیده در رعایت اصول و کنترل علل دخیل در بزه‌دیدگی خویش، سیاست جنائی کارایی مناسبی در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر نخواهد داشت.

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، پژوهشی مستقل با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است، با این حال در تعدادی از تحقیقات مباحث و موضوعاتی در رابطه با عنوان مقاله وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

1 - این تئوری توسط نویسنده مسئول مقاله مطرح و ارائه شده است.

نوروزی و دیگران (1390) در کتاب خویش با عنوان پیش‌گیری از نظریه تا عمل با تاکید بر نقش پلیس به این موضوع پرداخته‌اند و راه‌کارهای بهبود امنیت فیزیکی، سخت کردن دسترسی به آماج جرم، محافظت از اموال و نظارت بر اماکن عمومی، آموزش بزه‌دیدگان و مانیتورینگ هم‌زمان صحنه وقوع تکرار بزه‌دیدگی را پیشنهاد داده و به این نتیجه رسیده‌اند که با عملی کردن این راهکارها می‌توان از وقوع تکرار بزه‌دیدگی پیش‌گیری کرد.

عباچی (1388) در تحقیق خود به پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر کودکان با تاکید بر نقش پلیس پرداخته و به بررسی راه‌کارهای حذف، تغییر و خنثی‌سازی موقعیت‌ها و عوامل ناظر بر بزه‌دیدگی مکرر و پیش‌گیری از طریق معیارهای نظام عدالت کیفری و نظارت پلیس بر اماکن جرم‌زا، تقویت آماج، آموزش و آگاه‌سازی و میانجی‌گری بسنده کرده و تقویت نیروهای پلیس را گام مؤثری بر پیش‌گیری از این پدیده مطرح کرده است.

مقیم (1388) در مقاله تکرار بزه‌دیدگی و راه‌کارهای انتظامی پیش‌گیری از آن در ایران به بررسی عوامل، مقطع زمانی و محل وقوع تکرار بزه‌دیدگی و تدابیر پیش‌گیری از آن با راه‌کارهای محافظت از بزه‌دیده و تغییر تقصیر (مسئولیت) در مورد تکرار بزه‌دیدگی پرداخته و در نتایج به‌دست آمده رابطه‌ای معنادار میان بزه‌دیدگی قبلی با بزه‌دیدگی بعدی را عنوان کرده است و مؤثرترین تدابیر کاهش نرخ جرم را پیش‌گیری از تکرار بزه‌دیدگی معرفی کرده است.

افراسیابی و سلیمان دهکردی (1390) پژوهش بزه‌دیدگی مکرر، مکان‌های جرم‌خیز و الزامات پیش‌گیرانه را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه به شناخت بزه‌دیدگی مکرر و عوامل پدیدآورنده آن (آماج، بزه‌کار و مکان) و مناطق جرم‌خیز و ارتباط آن با بزه‌دیدگی مکرر و الزامات پیش‌گیری از جرم را مورد مذاقه قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که به جای تمرکز بر روی جرم و مجرم، باید به سمت بزه‌دیدگان و پیش‌گیری از بزه‌دیده واقع شدن آنها، متمرکز شد.

سؤال‌های تحقیق

1- نقش پلیس در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر چگونه است؟

2- پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر در سیاست جنایی ایران تا چه اندازه با رویکردهای اسناد بین‌المللی همخوانی دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

مقاله حاضر جزء مقالات کاربردی و از نوع تحلیلی می‌باشد. تحلیل اطلاعاتی که در این مقاله انجام شده به صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از منابع بوده است. از منابع اینترنتی نیز بهره گرفته شده است.

یافته‌های تحقیق

با توجه به نقش و وظیفه پلیس و تکالیفی که در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی بر عهده آنها نهاده شده است، با اعمال و به‌کارگیری رویکردهای زیر می‌تواند از وقوع بزه‌دیدگی مکرر پیش‌گیری کند.

1- دستگیری بزه‌کاران فعال در تکرار بزه‌دیدگی

تکرار بزه‌دیدگی اغلب حاصل عملیات مجرمانه بزه‌کارانی است که مرتکب جرائم بیشتری می‌شوند. کن پيس¹ بر این عقیده است از آنجایی که هدف قرار دادن این بزه‌کاران ممکن است این راز را فاش کند که این هدف قرار دادن، صرفاً به واسطه کشف بزه‌کاری مجدد نسبت به همان خانواده یا شخص و یا اموال حاصل می‌آید؛ زیرا این جرایم توسط بزه‌کارانی صورت می‌گیرد که تمایل دارند همیشه یک نفر را آماج جرم خود قرار دهند (کلارک، 1388: 179). چون این موضوع بر مسئله‌سازترین مجموعه اعمالی متمرکز است که بزه‌کاران فعال مرتکب می‌شوند؛ بنابراین مجال آن نخواهد داشت که ادعاهایی نظیر نقض حقوق شهروندی و اصل برائت مطرح شود. از این طریق با پیش‌گیری از تکرار جرم مجرمان حرفه‌ای، می‌توان به پیش‌گیری از وقوع بزه‌دیدگی مکرر دست یافت. نقش و عملکرد پلیس به عنوان متولی دستگیری چنین مجرمانی از اهمیت به‌سزایی برخوردار خواهد بود.

2- حفاظت از بزهدیدگان

با توجه به اینکه تحقیقات مقدماتی و دادرسی‌ها در مراجع انتظامی و قضایی جمهوری اسلامی ایران طولانی است (جزء جرایمی که در رسانه‌ها بازتاب داشته که باعث تسریع در روند دادرسی این نوع پرونده‌ها می‌شود)، بزهدیده و متهم در جلسات رسیدگی مختلفی شرکت می‌کنند تا بازجویی‌هایی انجام شود. طبیعی است که طرفین جرم در این جلسات رو در رو می‌شوند و ممکن است بزهدیده مورد صدمه و آسیب‌های متعددی قرار گیرد یا به لحاظ روحی و روانی دچار تشدید بزهدیدگی و بزهدیدگی مکرر شود؛ به این صورت حتی الامکان بزهدیده و متهم در مواقعی که به مراجع انتظامی و قضایی دعوت می‌شوند از رودررویی اجتناب شوند یا هنگام رودررویی، از بزهدیدگان محافظت کرد. این حفاظت از آسیب‌های احتمالی به بزهدیده پیش‌گیری می‌کند و به ویژه برای بزهدیدگانی که دارای رابطه خانوادگی یا دوستی با متهم هستند، اهمیت به‌سزایی خواهد داشت. به همین منظور باید اتاق‌های ویژه‌ای برای انتظار بزهدیدگان پیش‌بینی کرد یا پلیس و مراجع قضایی برای ساختمان‌های خود، خروجی‌های متفاوتی (بزهدیدگان - بزهدیدگان) را در نظر بگیرند. در برخی موارد جرائم خانوادگی بعد از شکایت، امکان زندگی زوجه در منزل زوج یا طفل در منزل والدین وجود ندارد و خوف وقوع تکرار بزهدیدگی از سوی بزهدیدگان محتمل است که انتقال آنان به مکانی امن در منازل بستگان، آشنایان یا به اماکن دولتی و غیردولتی ضروری است (قوام، 1389: 80). در این‌گونه مواقع نیروی انتظامی باید حافظ بزهدیده در مقابل تهدیدات و خطرات بزهدیدگان باشند.

اعلامیه اصول بنیادی دادگری (1985) در ماده 6 حفاظت از زندگی خصوصی و تأمین امنیت بزهدیدگان و خانواده‌های بزهدیدگان در برابر تهدید و انتقام بزهدیدگان را مورد تأکید قرار داده است. رهنمودهای دادگری در موضوع‌های شامل کودکان بزهدیده و گواه جرم (2005) صراحتاً بر حق امنیت بزهدیده تأکید کرده است؛ از جمله می‌توان به پرهیز از تماس میان مجرم با بزهدیده، قرارهای محدودکننده آزادی بزهدیدگان، ارائه حمایت از سوی پلیس یا دیگر متولیان مربوط و حفاظت از مکان استقرار بزهدیدگان اشاره کرد. در ماده 38 همان رهنمودهای دادگری، اتخاذ تدابیر ویژه پیش‌گیرنده برای کودکان و گواهان جرم در برابر بزهدیدگی‌های تکرار شونده یا تکرار جرم بزهدیدگان آسیب‌پذیر لازم و ضروری دانسته شده است.

علی‌رغم تأکید بند 14 اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، قوانین منسجمی در این زمینه موجود نیست. ماده 43 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 که مربوط به تعویق مراقبتی مجرم است، در بند «چ» به تشخیص دادگاه، مجرم باید در مدت تعویق از ارتباط با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده خودداری کند. در فصل هفتم ماده 217 قانون آئین دادرسی کیفری جدید مصوب 1392 اشاره شده است که بازپرس علاوه بر صدور قرار تأمین، به منظور تحت نظارت قرار گرفتن متهم و تضمین حقوق بزه‌دیده، می‌تواند قرار نظارت قضایی² صادر کند. معادل این ماده در قوانین کشور فرانسه هم موجود است که برای پیش‌گیری از تکرار بزه‌دیدگی یا تکرار جرم، متهم را در دوران آزادی یا مرخصی از ملاقات با بزه‌دیده منع می‌کنند. به‌طوری که مکان‌ها و منطقه‌هایی که بزه‌دیده ممکن است در آنجا رفت و آمد یا اقامت کند، بزه‌کار حق رفت و آمد به آنجا را ندارد؛ چراکه با روبه‌رو شدن آنها زمینه اصطکاک جدید منافع، انتقام‌جوئی یا زمینه بزه‌دیدگی مکرر فراهم می‌شود (نجفی ابرندآبادی و دیگران، 1384: 24).

3- نظارت بر اجرای مجازات‌های اجتماعی

نظارت بر اجرای مجازات‌های اجتماعی از تأسیسات جدید جرم‌شناسی³ است که مجرمان را به نوعی مجازات می‌کنند که به بازپروری⁴ و بازاجتماعی شدن آنان منتهی شود. اگر بر روند اجرای مجازات‌های اجتماعی نظارت مؤثر و مستمری اعمال نشود، در اجرای این نوع مجازات‌ها نه تنها نمی‌توانند به اهداف بازپرورانه خود دست یابند، بلکه می‌تواند آثار و عواقب نامطلوب و غیرقابل جبرانی را دربر داشته باشند. بهره‌گیری از این نوع مجازات‌ها در جرایم خانگی⁵، اگر به همراه کنترل مؤثر نباشد، به مانند شمشیر دو لبه‌ای خواهد بود که می‌تواند آثار غیرقابل جبرانی بر بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر داشته باشد؛ چراکه این نوع بزه‌دیدگان به دلیل وضعیت آسیب‌پذیری‌شان در معرض بزه‌دیدگی مکرر قرار دارند و به همین علت به حمایت ویژه نیازمندند. اگر قرار باشد بعد از صدور مجازات

2 - The judicial control

3 - Criminology

4 - Rehabilitation

5 - Household Crime

جایگزین زندان، بزه‌کار به محیط خانه بازگردد، بدون آن‌که نظارتی بر اجرای دستورات دادگاه مبنی بر درمان وجود داشته باشد، این امر بدان معناست که بزه‌دیدگان در معرض بزه‌دیدگی مکرر همان بزه‌کاران قرار خواهند گرفت؛ بنابراین تا زمانی که شیوه‌های نظارتی مؤثر در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس، برنامه‌ریزی نشده باشد، بهتر است از اعمال این نوع مجازات‌ها در خصوص بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر خصوصاً اطفال امتناع شود. خوشبختانه ماده 64 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 مقرر داشته که اعمال مجازات‌های جایگزین حبس باید با ملاحظه وضعیت بزه‌دیده انجام شود؛ یعنی شرایط شخص پس از تحمل بزه‌دیدگی، نیازها و روحیه او باید معیار قاضی برای توسل به این کیفرها باشد و در بند 4 ماده 14 لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان ارائه خدمات به بزه‌دیده برای رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم از تکالیف بزه‌کار در دوره مراقبت است⁶ (نجفی ابرندآبادی و دیگران، 1384: 69). نقش پلیس در این خصوص از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ چراکه با حضور خود در وقت‌های تعیین‌شده در نزد بزه‌دیده و گرفتن گزارش‌های مداوم و مستمر می‌تواند بر نحوه اجرای صحیح مجازات‌های جایگزین زندان نظارت کند و با مصاحبه با بزه‌دیده، حمایت و نظارت پلیس را به بزه‌دیده اعلام کند. شایسته است قانونگذار به‌طور دقیق نسبت به این‌گونه اقدامات و رویکردهای جدید بزه‌دیده محور، صحه بگذارد.

4- حفاظت از هویت و آبروی بزه‌دیده و بستگانش

یکی دیگر از عوامل وقوع بزه‌دیدگی مکرر افشای هویت خانوادگی بزه‌دیدگان است. حفظ هویت و آبروی بزه‌دیدگان توسط مراجع قضایی و انتظامی از ضروریات بزه‌دیدگان، خصوصاً بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر می‌باشد. این نیاز مختص بزه‌دیدگان نبوده، بلکه هویت و آبروی نزدیکان آنها نیز نیازمند حفاظت است. در برخی موارد عدم رعایت بند فوق باعث ورود صدمات غیرقابل جبران به نزدیکان یا بزه‌دیدگی مکرر بزه‌دیدگان می‌شود. در فرایند رسیدگی به پرونده در مراجع انتظامی و قضایی یا سایر دستگاه‌های ذی‌ربط همانند پزشکی قانونی و بیمارستان‌ها و... اطلاعات و مشخصات زیادی از بزه‌دیده یا بستگانش وجود دارد که افشای آنها ممکن است خطرات جانی، مالی، روحی و روانی برای بزه‌دیده یا بستگانش داشته باشد یا لطمه‌ای به حیثیت و آبروی آنها وارد شود

(قوام، 1389: 76). این نوع افشاگری‌ها یا به واسطه بی‌مبالاتی یا عمدی صورت می‌گیرد که در هر صورت باید تدابیر و آموزش‌های لازم برای متولیان این امر داده شود. حفظ آبروی بزه‌دیده یا بستگان وی به‌ویژه در جرائم علیه عفت عمومی از اهمیت شایانی برخوردار است و هرگونه کوتاهی متولیان باعث افشای هویت و آدرس بزه‌دیده شده که ممکن است به رخدادهای شدیدتر از بزه‌دیدگی اولیه⁷ منجر شده یا تشدید بزه‌دیدگی⁸ قربانی و بستگانش فراهم شود. همچنین فرایند جنایی⁹ باید به‌گونه‌ای باشد که ترس و استرس بزه‌دیده را از تهدیدات و اقدامات تلافی‌جویانه متهم به حداقل ممکن برساند و با حفاظت از زندگی خصوصی بزه‌دیده موجبات امنیت وی را فراهم سازد. به‌همین منظور نام، آدرس سکونت، محل کار، شماره تلفن و دیگر مشخصات بزه‌دیده را نباید فاش کرد و هرگونه تصمیمی را که لازم باشد، برعهده دادگاه و طبق نظر قاضی انجام گیرد.

بنابراین هم‌چنان‌که حفاظت از اطلاعات بزه‌دیده مهم است، حفظ اسناد و مدارک مربوط به اطرافیان و شهود او نیز ضروری است. از مهم‌ترین تدابیر در زمینه حفاظت از بزه‌دیده و اطرافیان او، برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای کارکنان پلیس برای حفاظت از اطلاعات و هویت بزه‌دیده و بستگانش است. به همه نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی خصوصاً کارکنان تازه‌وارد پلیس که به‌گونه‌ای با بزه‌دیدگان در ارتباط هستند تذکر داده و تعهد اخذ کنند و اطمینان حاصل کنند از این‌که سامانه‌های بایگانی و رایانه‌ای پلیس به سامانه‌های امنیتی مجهز بوده و به‌خوبی از اطلاعات بزه‌دیدگان محافظت می‌کنند (قوام، 1389: 77).

حفاظت از بزه‌دیده و اطلاعات وی نیز در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است؛ به این صورت که با حفظ محرمانگی و محدود کردن افشای اطلاعات بزه‌دیده حق خلوت داشتن را برای او (بزه‌دیده) فراهم آورند. در قوانین جمهوری اسلامی ایران در مورد حفظ هویت و آبروی بزه‌دیدگان و بستگانشان، تنها ماده‌ای که صراحتاً به آن اشاره دارد، ماده 648 ق.م.ا است که بر اساس آن کلیه کسانی که به مناسبت شغل و حرفه، محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در موارد غیرقانونی، باعث افشای اسرار شوند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای

7 - early Victimization

8 - aggravated Victimization

9 - Criminal Process

نقدی محکوم می‌شوند (نجفی ابرنآبادی و دیگران، 1384: 78)، هم‌چنین بند 4 ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که مأموران پلیس را موظف کرده در اجرای وظایف محوله با دادخواهان و مطلعان، اخلاق و موازین اسلامی را رعایت کنند که حفظ اسرار بزه‌دیدگان از موازین اسلامی است.

5- همکاری و مشارکت شهروندان با نیروهای پلیس

ساکنان هر شهری می‌توانند از وقوع جرایم¹⁰ و بزه‌دیدگی¹¹ پیش‌گیری کنند؛ چراکه بدون مشارکت شهروندان، سازمان‌ها و مراجع ذی‌ربط، از جمله نیروهای پلیس قادر به پیش‌گیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی نخواهند بود؛ برای مثال می‌توان با تعمیم یک مدل آموزشی پیش‌گیری از خشونت¹² از گذر افزایش ظرفیت جوانان بهره گرفت (ابراهیمی، 1388: 37). فلسن¹³ معتقد است نگرهبان اصلی نیروهای پلیس نیستند، بلکه خود شهروندان هستند که در هر مکان و موقعیتی که قرار داشته باشند، بایستی مراقب اموال خود یا نزدیکان باشند؛ حتی اگر برای لحظه‌ای نگاهی گذرا به آنها بیندازند، می‌تواند نقش مؤثری در پیش‌گیری از سرقت اموال آنها داشته باشد (کسن¹⁴، 1385: 182). ساکنین محله‌ها می‌توانند ضمن شناسایی افراد ولگرد و مظنون، اطلاعات لازم را به مراجع انتظامی گزارش کنند و اجرای رویکردهای پیش‌گیرانه از جرم را به عنوان جزئی از فعالیت‌های روزمره خود قرار دهند. بعضی افراد به صورت مکرر بزه‌دیده می‌شوند؛ اما بنا به دلایلی چون ترس، حفظ آبرو، ضعف، فقر و... بزه‌دیدگی خودشان را به مراجع انتظامی و قضایی گزارش نمی‌کنند و باعث افزایش آمار جرائم ارتكابی و ترس از جرم شهروندان می‌شوند (که این عوامل از موجبات بزه‌دیدگی مکرر محسوب می‌شوند) در حالی که با مشارکت و همیاری شهروندان می‌توان ریشه این چنین بزه‌دیدگی‌ها را خشکاند.

یکی از نمونه‌های مشارکت شهروندان در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی‌های مکرر، گشت‌زنی شهروندان است که در محله‌ها اجرا می‌شود و سطح وسیعی از معضلات جرائم و بزه‌دیدگی‌ها را کنترل می‌کنند. پیمایشی که در سال 1992 در آمریکا صورت گرفته

10 - Crime

11 - Victimization

12 - Violence

13 - Velson

14 - Kesen

است، نشان می‌دهد که طی 20 سال گذشته تعداد گشت‌ها به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است؛ مثلاً در یک تحقیق محلی معلوم شد که 10 درصد از خانواده‌های آمریکایی در گشت‌زنی محله‌ها مشارکت فعال داشته‌اند که این بیانگر وجود هزاران گشت در جامعه آمریکایی است. علی‌رغم مخالفت بیشتر مسئولان بلندپایه نسبت به مداخلات مردم در حوادث خشونت‌بار، حمایت از گشت‌های مردمی به‌عنوان چشم و گوش پلیس افزایش یافته است، به‌طوری که گشت‌های خیابانی شهروندان در فورث ورث تگزاس¹⁵، در حال افزایش هستند و پلیس به تدارک فضا و کار نزدیک با داوطلبان و آموزش آنها پرداخته است (دنیس پ¹⁶، 1384: 43-50). برخلاف دیگر کشورها در جمهوری اسلامی ایران استفاده از نگهبانان محله و مخبران محلی به صورت سلیقه‌ای بوده و هیچ نوع سازمان‌دهی دقیق و منسجم در آن صورت نگرفته است. در بند 4 مقدمه اعلامیه اصول بنیادی دادگری (1985) نیز تأکید شده است که دولت‌های عضو باید برای ترویج روش‌های اجتماعی و مشارکت همگانی شهروندان با پلیس در پیش‌گیری از جرم تلاش کنند.

6- تقبیح اجتماعی بی‌احتیاطی‌ها و پیش‌بینی تنبیه‌های مناسب برای آن

برخی از بزه‌دیدگان جرایم با انجام رفتارهای وسوسه‌انگیز، در تکرار بزه‌دیدگی خود تأثیرگذار هستند و مجرم را به سوی خود تحریک می‌کنند و گاهی اوقات نیز انگیزه ارتکاب جرم را در مجرم ایجاد می‌کنند و به عبارتی فرد عادی را به سمت ارتکاب جرم تشویق می‌کنند؛ به‌عنوان مثال رهگذری که بدون قصد سرقت، با کالایی رها شده، اتومبیل بدون سرنشین و فاقد تدابیر ایمنی، خانه‌ای بدون حفاظ و ایمنی و خالی از سکنه و امثال آن مواجه می‌شود، بدون نیت قبلی به فکر سرقت می‌افتد یا خانمی که به تنهایی در اتومبیل در کنار مرد اجنبی در مسافت‌های برون شهری مسافرت می‌کند، اندیشه بزه‌کاری را در راننده ایجاد و در نهایت زمینه‌های تعرض به خود را فراهم می‌آورد. در صورت استمرار چنین رفتارهایی فرد در معرض وقوع بزه‌دیدگی و تکرار آن قرار می‌گیرد.

15 - Fort Worth texas

16 - Danise .P

متولیان سیاست جنایی خصوصاً پلیس در جامعه به خاطر صیانت از افراد آن جامعه و نهایتاً بقای نظم عمومی و حفظ ارزش‌های آن، ضمن مقابله با بی‌احتیاطی‌ها، باید با ایجاد و گسترش فرهنگ عمومی و همگانی، ریشه کلیه بی‌احتیاطی‌ها و خود را در آماج جرم قرار دادن‌ها را بخشکاند. همان‌گونه که افسران راهنمایی و رانندگی راننده‌ای را که در حین رانندگی کمر بند ایمنی خود را نمی‌بندد، اعمال قانون و جریمه می‌کنند، می‌بایست چنین رویکردهایی در خصوص پیش‌گیری از تمام بزه‌دیدگی‌ها تعمیم داده شود. در همین راستا در کشور بلژیک آن دسته از رانندگانی را که بدون رعایت احتیاط‌های لازم، با باز گذاشتن درب‌های اتومبیل خود، اتومبیل را ترک می‌کنند، جریمه می‌کنند. فلسفه آن، تسهیل اختلال در نظم عمومی و زمینه‌سازی ناخواسته برای تحقق بزه‌دیدگی سرقت است. هم‌چنین پیش‌بینی جریمه برای عابرین متخلف در برخی قوانین، بیانگر آن است که خواستهٔ مقنن، تقلیل بی‌مبالاتی آنان برای پیش‌گیری از صدمات وی است.¹⁷ بدون تردید فلسفه این نوع واکنش‌ها، پیش‌گیری از بزه‌دیدگی‌های مکرر و ترغیب به ارتقاء سطح خود ایمنی است. گذشته از تنبیه و اعمال قانون، تفهیم مسئولیت اخلاقی و شرعی انسان در حفظ و رعایت ایمنی خویش و صیانت از نفس، تن، عقل، مال و غیره¹⁸ می‌تواند در تقلیل بی‌احتیاطی‌ها و افزایش فرهنگ خودایمن‌سازی مؤثر باشد.

7- ارائه خدمات اجتماعی

ارائه خدمات اجتماعی به بزه‌دیدگان از دیگر راه‌کارهای پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر است. در این راستا متولیان سیاست جنایی و نیروهای پلیس با به‌کارگیری امکانات و تجهیزات موجود ضمن تعامل حداکثری با بزه‌دیدگان باید نقش فعال و مثبتی را ایفاء کنند. پلیس باید با ایجاد خطوط تلفنی مستقیم و شبانه‌روزی برای گزارش سریع بزه‌دیدگی به مراجع انتظامی، به‌خصوص اطفال، زنان و سالمندان قربانی خشونت‌های

17 - ماده 8 قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب تیرماه 1350.

18 - اصولاً انسان بر اساس حب و ذات همواره در راستای حفظ و بقای خویش تلاش می‌کند. لکن از آنجا که این جاذبه نیز ممکن است مغلوب سایر کشش‌های انسان یا جهالت و بی‌خردی وی شود، نیازمند یادآوری و تذکر است؛ لذا در آیات قرآن کریم توصیه‌هایی چون، خود را با دست‌های خود به هلاکت نیندازید (سوره بقره، آیه 195). جان‌ها را از بین نبرید (سوره نساء آیه 29). خود و اهل خود را از آتش حفظ کنید (سوره تحریم آیه 6) وارد شده که بر مسئولیت انسان در قبال خود و ضرورت خودایمن‌سازی تأکید دارد.

خانگی¹⁹ اقدام مناسبی را به عمل آورد. به منظور احتراز از خروج بی‌رویه بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر، خصوصاً افراد ناتوان با ارائه برخی خدمات به بزه‌دیدگان در منزل نیز می‌توان از بزه‌دیدگی مکرر پیش‌گیری کرد. اجرای برنامه‌های مشارکت سالمندان در فعالیت‌های مفید اجتماعی، برای جلوگیری از انزوا و تنهایی ضروری می‌باشد (انزوای سالمندان و ناتوانان می‌تواند به عنوان عاملی بر سالمندآزاری و خشونت خانگی مکرر باشد). با حساس‌سازی عموم مردم نسبت به گروه‌های آسیب‌پذیر و تقویت کنترل‌های اجتماعی از سوی اقشار مردم و نهادهای مدنی و دولتی برای نظارت بر گردش امور مؤسسات نگهداری سالمندان، اطفال و زنان و نیز برای کنترل میزان حفظ و احترام به حقوق آنها، داشتن اختیار برای پی‌گیری قضایی هرگونه نقض حقوق در این مؤسسات و حتی در خانواده‌ها تا حدی که به نقض حریم خصوصی خانواده منجر نشود.

در بند «پ» ماده 4 پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد (2010) دولت‌ها را متعهد کرده که برای کاهش فرصت‌های تکرار بزه‌دیدگی، با پشتیبانی و ارتقاء خدمات برای کسانی که قبلاً بزه‌دیده شده‌اند، راهبردهایی را پیش‌بینی و ایجاد کنند. همچنین در بند 1 ماده 7 پیش‌نویس مذکور آورده است، دولت‌ها باید تضمین دهند که از مراکز خدمات یا سازمان‌هایی که مرتبط با آن است، به بزه‌دیده اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی کنند. ماده 19 رهنمودهای دادگری در موضوع‌های شامل کودکان بزه‌دیده و گواه جرم (2005) حق آگاهی و به‌رمندی از دسترس‌پذیری خدمات اجتماعی و سایر خدمات را از نخستین تماس بزه‌دیده با فرایند دادگری به شکل فوری و مناسب را پیش‌بینی کرده است. این موضوع نشان دهنده این است که اسناد بین‌المللی نیز در ارائه خدمات اجتماعی به بزه‌دیدگان توجه خاصی داشته است و منظور از دولت‌ها، همان متولیان سیاست جنایی است و بی‌شک نیروی انتظامی از جمله آنهاست.

8- آموزش و اطلاع‌رسانی

یکی از راه‌کارهای اجتماعی نیروی انتظامی در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر آموزش همگانی است که افراد را از معرض بزه‌دیدگی مکرر قرار گرفتن خارج می‌کند. پلیس در مورد نوع و میزان ارتباطات اجتماعی، آگاهی دادن در مورد خطراتی که تهدیدکننده

است و نحوه مراقبت از خود در خارج از منزل برای کودکان و نوجوانان را باید آموزش دهد. در این مورد با ایجاد واحد درسی در مدارس و تدریس توسط متخصصان نیروی انتظامی، از بزه‌دیدگی‌های متعدد و مکرر پیش‌گیری خواهد شد. شیوه‌های دفاع از خود و دیگران خصوصاً در مورد بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر که زنان و اطفال در زمره آنها محسوب می‌شوند، آموزش داده شود. نیروهای اجتماعی پلیس باید در مورد نحوه مقابله با جرائم، چگونگی گزارش‌دهی و ایجاد ارتباط با مراجع انتظامی و قضایی و دیگر آموزش‌هایی که در این زمینه و مناسب هر گروه از افراد آسیب‌پذیر است را باید به بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر آموزش داد. متولیان سیاست جنایی با گسترش و افزایش سطح اطلاعات حقوقی زنان در مورد حق و حقوق قانونی آنها و نحوه مقابله با پدیده خشونت خانگی را آموزش دهند و نیز آموزش‌های روان‌شناختی به منظور درک متقابل و شیوه‌های صحیح برقراری روابط در خانواده را ایجاد کنند. آموزش پلیس به زنان در مورد نحوه برخورد‌های اجتماعی و احتراز از ارتباطات خطرناک و شیوه‌های حضور در جامعه که با احتمال تحریک‌آمیز بودن و... همراه است و در زمینه نقش رفتارهای محرک و بی‌احتیاطی‌ها در بروز خطرات بزه‌دیدگی آگاهی داد. نقش پلیس زن در این خصوص بسیار آشکار می‌شود؛ چراکه حضور و آموزش پلیس اختصاصی (زن)، موفقیت چشم‌گیری را به ارمغان می‌آورد.

بند 5 مقدمه اعلامیه اصول دادگری (1985) برای دولت‌ها پیشنهاد می‌کند که برای افزایش میزان پیروی از ملاک‌ها و هنجارهای سازمان ملل و کاهش سوء استفاده‌های احتمالی، فعالیت‌های آموزشی را ترویج داده و با پشتیبانی از پژوهش‌های عمل‌نگر گروهی درباره راه‌هایی که از گذر آن بتوان بزه‌دیدگی را کاهش داد. همچنین دولت‌هایی که برای کاهش بزه‌دیدگی و فرو نشاندن درد و رنج‌های بزه‌دیدگان درخواست کمک می‌کنند، به صورت مستقیم کمکشان کرد. ماده 34 رهنمودهای دادگری در موضوع‌های شامل کودکان بزه‌دیده و گواه جرم (2005) بر آموزش متخصصان به منظور شناسایی عاملان ارعاب، تهدید و زیان به کودکان یا گواه و پیش‌گیری از آن تأکید شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در بند 2 و 3 اصل سوم بر بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه را مورد تأکید قرار داده است.

نتیجه‌گیری

بزه‌دیدگی مکرر از جمله چالش‌هایی است که در قلمرو سرزمینی تمامی کشورها اتفاق می‌افتد. تا دهه‌های اخیر در تمامی نظام‌های حقوقی و مکاتب جرم‌شناختی بیشترین توجه به متهم و پیش‌گیری از تکرار جرم بود و کمتر به جرم‌شناسی بزه‌دیده‌شناسی و پیش‌گیری از بزه‌دیدگی توجه می‌کردند. با رشد و شکوفایی مکاتب بزه‌دیده‌مداری اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و حفاظت از موقعیتشان مورد توجه متولیان سیاست جنایی قرار گرفت. قانون‌گذاران نیز به تصویب قوانین حمایتی از بزه‌دیدگان پرداختند و همین امر باعث شد تحقیقات مختلفی در زمینه بزه‌دیدگی و پیش‌گیری از آن توسط محققان داخلی و خارجی انجام شود و متعاقباً در اسناد بین‌المللی وظایف خطیری را برعهده متولیان سیاست جنایی و پلیس در خصوص پیش‌گیری از بزه‌دیدگی و تکرار آن گنجانده شد. این اسناد دولت‌ها و متولیان سیاست جنایی را مکلف به تبعیت و اجرای مفاد اسناد بین‌المللی در زمینه‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، در قلمرو سرزمینی خودشان کرد. نیروی‌های انتظامی می‌توانند با به کارگیری راهبردهای دستگیری بزه‌کاران فعال در تکرار بزه‌دیدگی، حفاظت از بزه‌دیدگان، نظارت بر اجرای مجازات‌های اجتماعی، حفاظت از هویت و آبروی بزه‌دیده و بستگانش، همکاری و مشارکت با شهروندان در پیش‌گیری از جرم، ارائه خدمات اجتماعی و آموزش و اطلاع‌رسانی از بزه‌دیدگی مکرر پیش‌گیری کنند. همگام با پیشرفت‌های بزه‌دیده‌شناسی پلیس کشورهای توسعه یافته با اقتباس از اسناد بین‌المللی رویه‌های عملی خود را به سمت و سوی بزه‌دیده‌محوری سوق داده‌اند. سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران بر خلاف آنها در برخی قوانین بدون انسجام و به‌صورت پراکنده به این چالش مهم و نقش پلیس در پیش‌گیری از آن پرداخته و گفتنی است که با رویکردهای اسناد بین‌المللی همخوانی نداشته است؛ اما ضروری می‌کند که قانونگذار با توجه به پیشرفت‌هایی که در زمینه بزه‌دیده‌شناسی در سطوح مختلف صورت گرفته، قوانین منسجم و جامع‌الشمول را به تصویب رسانده تا متولیان سیاست جنایی و نیروهای پلیس بتوانند با اتکاء و پشتوانه قانونی از بزه‌دیدگی و تکرار آن پیش‌گیری کنند. در مقایسه با تحقیقات به‌عمل آمده در خصوص موضوعات مشابه، باید گفت که هیچ‌کدام نقش پلیس و رویکردهای پیش‌گیرانه

آن را در پرتو اسناد بین‌المللی مورد مطالعه قرار نداده است؛ اما به نوعی در ارائه راه‌کارها و رویکردهای پیش‌گیری از پدیده بزه‌دیدگی مکرر، مطابقت جزئی داشته است.

پیشنهادها

- کنترل مناطق جرم‌خیز برای پیش‌گیری از تکرار جرم مجرمان حرفه‌ای و دستگیری بزه‌کاران فعال در تکرار بزه‌دیدگی.
- اجازه همراهی یکی از بستگان بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر در مراجع قضائی و انتظامی.
- پیش‌بینی جایگاه‌های امن برای بزه‌دیدگان در مراجع انتظامی و قضایی.
- ایجاد اقامتگاه موقت برای بزه‌دیدگانی که با بزه‌کار در یک مکان زندگی می‌کنند و تأمین امنیت اماکنی که بزه‌دیدگان اقامت دارند.
- تأمین امنیت بزه‌دیدگان و خانواده‌های آنها در مقابل تهدیدات و خطرات احتمالی بزه‌کاران.
- حضور دوره‌ای پلیس و اخذ گزارش‌های لازم در محل زندگی بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر برای ایجاد احساس امنیت و اینکه باور داشته باشند که از جانب پلیس تحت حفاظت و مراقبت هستند.
- برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای کارکنان پلیس برای حفاظت از اطلاعات و هویت بزه‌دیده و بستگانش.
- سازماندهی و تقویت شهروندان در امور نگهبانی از محله‌ها و حفاظت از اماکن با استفاده از تجهیزات مدرن.
- حمایت و راهنمایی پلیس از بزه‌دیدگانی که بنا به دلایلی همچون فقر، ترس از بزه‌کار و حفظ آبرو نسبت به گزارش بزه‌دیدگی خود اقدام نمی‌کنند.
- کنترل و اخذ گزارش از مسافران اتومبیل‌های مسافربری در محورهای برون‌شهری در پلیس راه‌ها برای شناسایی بزه‌کاران احتمالی
- اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی از مراکز حمایتی و خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان خصوصاً بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر.

- ایجاد واحد درسی پیش‌گیری از بزه‌دیدی در مدارس و تدریس توسط متخصصان پلیسی.
- آموزش بزه‌دیدگان در مورد نحوه برخورد با جرائم و چگونگی گزارش‌دهی و ایجاد ارتباط با مراجع قضائی و انتظامی.
- آموزش و جلوگیری از رفتارها و پوشش‌های تحریک‌آمیز افراد آسیب‌پذیر توسط پلیس.
- نظارت دقیق و منظم بر اجرای مجازات‌های اجتماعی بزه‌کاران و حمایت حقوقی از بزه‌دیدگان.
- اخذ تعهد از کارکنان تازه‌وارد پلیس و تذکر به همه نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی که به گونه‌ای با بزه‌دیدگان در ارتباط هستند، برای حفاظت از هویت بزه‌دیدگان.
- اطمینان از اینکه سامانه‌های بایگانی و رایانه‌ای پلیس به سامانه‌های امنیتی مجهز هستند و به درستی از اطلاعات بزه‌دیدگان محافظت می‌کنند.
- ایجاد خطوط تلفنی مستقیم و شبانه‌روزی برای گزارش سریع بزه‌دیدی به مراجع انتظامی، به خصوص اطفال، زنان و سالمندان قربانی خشونت‌های خانگی.
- ارائه برخی خدمات به بزه‌دیدگان در منزل به منظور احتراز از خروج‌های بی‌رویه بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر، به خصوص بزه‌دیدگان ناتوان با عدم ایجاد محدودیت در رفت و آمدها که مبادا حقوق شهروندی آنان نقض شود.
- ایجاد برنامه‌هایی برای مشارکت سالمندان در فعالیت‌های مفید اجتماعی، برای جلوگیری از انزوا و تنهایی.
- حساس‌سازی عموم مردم نسبت به گروه‌های آسیب‌پذیر و تقویت کنترل‌های اجتماعی از سوی اقشار مردم و نهادهای مدنی و دولتی برای نظارت بر گردش امور مؤسسات نگهداری سالمندان، اطفال و زنان و نیز برای کنترل میزان حفظ و احترام به حقوق آنها، داشتن اختیار برای پی‌گیری قضایی هرگونه نقض حقوق در این مؤسسات و حتی در خانواده‌ها تا حدی که به نقض حریم خصوصی خانواده منجر نشود.

- آموزش کودکان در مورد نوع و میزان ارتباطات اجتماعی، آگاهی دادن در مورد خطراتی که آنها را تهدید می‌کند و نحوه مراقبت از خود در خارج از منزل.
- آموزش شیوه‌های دفاع از خود و دیگران خصوصاً در مورد بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر .

منابع

— قرآن کریم

— آرینگتون، ریچارد ال (1390). پیش‌گیری از جرم راهنمای عملی مأموران پلیس. چاپ اول، ترجمه عفت ملک، تهران: انتشارات ناجی نشر.

— آیین‌نامه مراقبت از زندانیان بعد از خروج از زندان مصوب 1378 رئیس قوه قضاییه.

— ابراهیمی، شهرام (1388). مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیش‌گیری از جرم. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

— اعلامیه اصول بنیادی دادگری برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، قطعنامه 40/34 مجمع عمومی سازمان ملل متحد 29 نوامبر .

— افراسیابی، علی؛ دهکردی، الهام (1391). بزه‌دیدگی مکرر، مکان‌های جرم‌خیز و الزامات پیش‌گیرانه. فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، تابستان، شماره 23.

— پی، فرانک و دیگران (1383). نظریه‌های جرم‌شناختی. چاپ اول، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات میزان.

— پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره دادگری و پشتیبانی برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت 8 فوریه 2010 .

— دنیس پ، روزنام (1384). پیش‌گیری از جرم. چاپ اول، ترجمه حمید رضا حبیبی، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.

— حسینی، سیدمحمد (1383). سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

— رحیمی نژاد، اسمعیل (1388). جرم‌شناسی. چاپ اول، تبریز: انتشارات فروزش.

— رحیمی نژاد، اسمعیل (1387). کرامت انسانی در حقوق کیفری. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

— رهنمودهای دادگری در موضوع‌های شامل کودکان بزه‌دیده و گواه جرم (قطعنامه 20/2005 شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد 22 ژوئن 2005 .

— عمید، حسن (1364). فرهنگ فارسی عمید. دو مجلد، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیر کبیر.

— قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378

— قانون آئین دادرسی کیفری مصوب 1392 با اصلاحات 1394

- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب 1383
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1358 و اصلاحات بعدی
- قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب 1375
- قانون مجازات اسلامی مصوب 1392
- قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب 1350
- قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1369
- قوام، عظیم (1389). حقوق بزه‌دیدگان و خواسته‌های آنها از پلیس. فصلنامه انتظام اجتماعی، پاییز و زمستان شماره 2.
- کسن، موریس (1385). اصول جرم‌شناسی. چاپ اول، ترجمه میر روح‌اله صدیق، تهران: انتشارات دادگستر.
- کلارک، رونالد وی - جان اک (1388). جرم‌شناسی پیش‌گیری. چاپ اول، ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقی زاده، تهران: انتشارات زرد.
- گروه پژوهشی حقوق جزا و جرم‌شناسی اداره کل پژوهش اطلاع‌رسانی، نقد و بررسی لایحه پیش‌گیری از جرم، www.Lri.ir.
- لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان 1391
- ماس، کیت؛ مایک، استیفنز (1388). مجموعه مقالات کاهش وقوع جرم و قانون. چاپ اول، ترجمه سروش بهربر، تهران: انتشارات روناس.
- مقیمی، مهدی (1388). تکرار بزه‌دیدگی و راهکارهای انتظامی پیش‌گیری از آن در ایران. چاپ اول، مجموعه مقالات پیش‌گیری انتظامی از جرم، تهران: معاونت آموزش ناجا.
- میرخلیلی، سید محمود (1388). پیش‌گیری وضعی از بزه‌کاری: با نگاهی به سیاست جنایی اسلام. چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران (1384). میزگرد عدالت برای بزه‌دیدگان. مجله حقوقی دادگستری، شماره 52-53.